ایران

• سه‌شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴
• ۱۹ محرم ۱۴۴۷
• ۱۵ جولای ۲۰۲۵
• سال سی‌ویکم
• شماره ۸۷۸۷
• ۲۰ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

سید عطاءالله مهاجرانی هر سه‌شنبه
در ستون «حسب حال» نگاهی به زمانه می‌اندازد

معرکهٔ آرا
درباره مصاحبه پزشکیان

۱

رئیس جمهوری در پیامی به ایرانیان خارج از کشور، فصلی نوین در سیاست و حکمرانی را نوید داد

ایران امن‌تر، آرام‌تر و مقتدرتر

۲

مسئولان اقتصادی دولت با اشاره به خسارات جنگ ۱۲ روزه اعلام کردند

بسته حمایت از صنعت گردشگری روی میز بانک مرکزی

عکس: علی‌حسن پور / ایران

۹

یک کارشناس مسکن با اشاره به داده‌های بازار تحلیل کرد

تغییر جغرافیای تقاضای مسکن

رکود و کاهش واقعی قیمت
مشخصه اصلی بازار مسکن تا پایان سال است

۷

گزارش «ایران» از کانال‌های مدعی فروش سؤال‌های کنکور سراسری

۴۰۰ میلیون رمزارز بدهید دانشجو شوید!

۱۳

به بهانه ۵۰ سالگی فیلم هندی «شعله»

فیلمی که تبدیل به خاطره جمعی شد

۱۹

گفت و گو با بیژن عبدالکریمی درباره نشست «شریعتی و امر ملی»

بازگشت به امر ملی ضرورت روشنفکری امروز ایران

۱۶

آسیب‌شناسی انحرافی تهدید مضاعف امنیت ملی

رضا نصری در یادداشت اختصاصی تحلیل کرد

۴

درد مشترک خاورمیانه

گفت‌وگو با مریوان حلبچه‌ای درباره ترجمه رمان رؤیای مردان ایرانی و معرفی ماردین ابراهیم نویسنده سرشناس کُرد

۱۷

معرکهٔ آرا
درباره مصاحبه پزشکیان

سید عطاءالله مهاجرانی

دیباچه

شهریور ماه سال ۱۳۶۰ حج مشرف شده بودم. عضو بعثه بودم. نشریه‌ای با عنوان خبرنامه با کاغذ «آ چهار» و سیاه سفید منتشر می‌کردیم. مسئول خبرنامه بودم. نشریه هر روز صبح زود بین کاروان‌ها توزیع می‌شد. ساختمان بعثه در محله «الغزّة» کنار «مسجد الجن» در مکه بود. درست روبه روی بعثه کتابفروشی «دار الادب» بود. روزنامه «شرق الاوسط» می‌فروخت که می‌خریدم. برای اولین بار با نام «مصطفی امین» و ستون معروف او «فکرة» (اندیشه) آشنا شدم. معتاد شدم! انگار هر روز اول صبح گمگشته‌ای داشتم. می‌خواستم بدانم مصطفی امین در آن ستون که ستون آخر صفحه سوم بود، چه نوشته است. گاهی مقاله پنج سطر بود و گاه بیست تا سی سطر. نکته‌ای فرهنگی یا اجتماعی و نیز سیاسی. همیشه در «فکرة» مصطفی امین نکته‌ای برای اندیشیدن بود. مثل سنگ صیقلی کف جویبار، نکته‌ای در ذهن شما باقی می‌ماند. آینه‌ای بود که خودم را در آن آینه زلال و آراسته و صمیمی تماشا می‌کردم. فکر نوشتن مقالاتی با همان سبک در ذهنم شکفته شد. ایده نوشتن «نقد حال» این چنین متولد شد. نزدیک به بیست سالی برای روزنامه اطلاعات نقد حال می‌نوشتم. تا اینکه دنیا دگرگون شد. به قول محمود درویش: «نه دنیا همان است که بود و نه من چنانم که بودم...»

در این فاصله ۴۴ سال از نوشتن اولین «نقد حال» تا همین «حسب حال»، نوشتن جزء اصلی و معنای زندگیم بوده است. وقتی می‌خوانم هستم و وقتی می‌نویسم، بیشتر هستم!

اکنون که «حسب حال» را می‌خوانید، یادی کنم از مصطفی امین (۱۹۱۴-۱۹۹۷)که روزنامه نگاری کیمیاست. عبدالرحمن فرامرزی در «تاریخ مطبوعات ایران» شباهت اندکی به مصطفی امین دارد. و یادی از رفیق شفیق درست پیمان، روانشاد سید محمود دعایی که با تشویق او نقد حال در روزنامه اطلاعات شکل گرفت. برخی مقالات «نقد حال» مثل «مذاکره مستقیم» ماجرا شد. اکنون من در هفتاد و یک سالگی هستم. گذار عمر را دیده‌ام. تجربه نوشتن در روزنامه‌های مختلف را داشته‌ام. امیدوارم در «حسب حال» بتوانم آن تجربه و جهان‌دیدگی را به عنوان سرمایه‌ای برای نوشتن و خدمت استفاده کنم. حسب حال!؟ با توجه به این ترکیب «حسب» به معنی سنجیدن و «حال» که پیداست، می‌تواند نگاهی به زمانه باشد، به ایران و ملت ایران و گاه حدیث نفس! به قول قاآنی:

سرورا «حَسبِ حالِ» من بشنو
گرچه مستغنی است از تبیین

در واقع «حسب حال» پنجره‌ای و گاه افقی برای دیدن است. گاه دیدن یک پدیده که ممکن است در صورت ظاهر عادی و ساده بنماید. اما حسب حالی دارد! به روایت سیدای نسفی:

همین است تنبور را حسب حال
ز دست نوا می‌خورد گوشمال

سرود ایران که در روزها و شب‌های محرم بویژه در تاسوعا و عاشورا مثل امواج بلند دریا مجالس عزاداری را فراگرفت؛ حسب حال ملت ایران بود... اگر حسب حال نبود آیت‌الله خامنه‌ای به محمود کریمی نمی‌گفت «ای ایران بخوان...»

از روزنامه ایران که فضا و فرصت «حسب حال» را فراهم کرده است. بسیار ممنونم.

مصاحبه پزشکیان

مصاحبه مسعود پزشکیان با «تاکر کارلسون» معرکه آرا در داخل و خارج شده است. در خارج کشور، صهیونیست‌ها از جمله سفیر اسرائیل در آمریکا، سلطنت‌طلبان از جمله رضا پهلوی، مجاهدین خلق از جمله مریم رجوی و در داخل، عناصری با شمایل متفاوت سیاسی از همه سو و هر یک به سبک خود به پزشکیان تاخته‌اند. انگیزه‌ها و انگیخته‌ها متفاوت است. مضمون سخنشان و لحنشان متفاوت است. مضمون صهیونیست‌ها و سلطنت‌طلب‌ها که این روزها در واقع یکی هستند و در یک تیم بازی می‌کنند؛ سلطنت طلبان از جمله خانواده پهلوی پرچم اسرائیل در دست می‌گیرند. مجاهدین خلق که البته به ظاهر با سلطنت‌طلبان و «بچه شاه» مخالفند و مسأله دارند، اما سررشته آنها هم درسرپنجه صهیونیست‌هاست. این سه گانه در واقع یگانه، پزشکیان را متهم می‌کنند که جنگ‌طلب است و این چهره صلح خواهانه که در مصاحبه نشان داد دروغ و فریب است. آن روی سکه یعنی منتقدان داخلی هم که از مجلس خواستگاری تا درخواست از اسرائیل برای ترور رئیس‌جمهوری پیش رفتند! مصاحبه را نشانه ضعف تلقی کردند که چنان که بایست از ارزش‌های انقلابی حمایت نکرده است و رگ‌های گردن به حجت قوی نشده است. به نظرم دو نکته اساسی درباره منتقدان یا مخالفان داخلی مصاحبه می‌توان مطرح کرد. بدیهی است که صهیونیست‌ها و مجاهدین خلق و سلطنت‌طلبان خارج از مدار بحث ما هستند و نیازی به پاسخی نیست.

نکته اول: هر مصاحبه‌ای یا هر مقاله و کتابی مخاطب خود را دارد. به عنوان نمونه برای کسی که به ورزش و از جمله فوتبال دلبستگی ندارد، مجلات ورزشی یا کتاب‌های فوتبال جاذبه‌ای ندارد. در مصاحبه یا سخنرانی، سخنران یا مصاحبه کننده مخاطب خود را انتخاب می‌کند. مخاطب در مصاحبه پزشکیان مردم آمریکا بودند، نه مردم ایران و نه حتی دولت آمریکا و شخص ترامپ. تاکر کارلسون هم در منزلتی قرار گرفته است که در واقع به نمایندگی از مردم آمریکا سخن می‌گوید. ضد جنگ و ضد سیاست‌های جنگ‌طلبانه ترامپ است. در سال ۲۰۱۹ که جان بولتون و تیم نئوکان‌های دولت ترامپ، ترامپ را به‌شدت و با اصرار به حمله به ایران تشویق می‌کردند، تاکر کارلسون توانست بر ترامپ تأثیر بگذارد و مخالف حمله به ایران بود. حمله در آن سال انجام نشد و جان بولتون از مشاورت امنیتی ترامپ حذف شد. همین رویه تاکر کارلسون موجب اخراجش از شبکه صهیونیستی فاکس نیوز شد. مصاحبه با تاکر کارلسون فرصت مغتنمی بود تا صدای ایران به آمریکا و جهان برسد. چنان که بازتاب‌های مصاحبه از جمله در صفحه ایکس کارلسون قابل توجه است. اگر فرصت داشتید، خواندن کامنت‌ها ما را با درجه تأثیر و واکنش بینندگان مصاحبه آشنا می‌کند. نکته دوم لحن مصاحبه است. انقلابیون انتظار لحن انقلابی داشتند. شیوه پزشکیان چنین نبوده و نیست. با اینکه صاحبان لحن انقلابی کارنامه و دستاوردشان پیش چشم همگان است. مردم ما و دولت‌های مختلف نتیجه ورق پاره بودن قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را دیده و چشیده‌اند.

نکته سوم: نمی‌توان لحن مصاحبه را از مضمون مصاحبه که تماماً در جهت محکومیت آمریکا و اسرائیل است، تفکیک کرد. اشاره به اینکه ما مشغول مذاکره با آمریکا بودیم و قرار بود دور ششم مذاکره در روز یکشنبه ۲۵ خرداد آغاز شود که ارتش اسرائیل در روز جمعه ۲۳ خرداد به ایران حمله کرد، فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای ما را ترور کرد، در صدد ترور رئیس‌جمهوری ایران برآمده بود، همه این امور با موافقت آمریکا که با ما مشغول مذاکره بود، انجام شد. پس از آن آمریکا هم به ایران حمله کرد. حال برای مذاکره چگونه می‌توان به آمریکا اعتماد داشت!؟ این سخنان از منطق قوی و تأثیر عاطفی و صمیمانه ممتازی برخوردار است که در جامعه آمریکا و بویژه بین نخبگان آمریکایی و بلکه جهان اثرگذار است. یادمان باشد که در جنگ ویتنام آمریکا اول در جبهه داخلی و افکار عمومی مردم آمریکا از ویت‌کنگ‌ها شکست خورد. جامعه آمریکایی علیه سیاست‌های جنگ طلبانه و کشتار مردم ویتنام به میدان آمد. لیندون جانسون در برابر فشار افکار عمومی در آمریکا مستأصل شده بود. شکست نظامی آمریکا در ویتنام و فرار ارتش آمریکا از ویتنام پس از این شکست بود. البته درست همزمان با جنگ، مذاکره رهبران ویتکنگ و آمریکا در پاریس از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳ ادامه داشت. کیسینجر نماینده آمریکا بود و «لو دوک تو» عضو رهبری ویتنام و «نگوین دو ترین» وزیر خارجه ویتنام شمالی.

جنگ پدیده‌ای مرکب است. مصاحبه سنجیده و بهنگام می‌تواند تأثیرگذار باشد. مصاحبه پزشکیان همان تسلط و دقت شکیبایی جراح حاذق قلب را در عمل قلب باز به همراه داشت! زبان و ادبیات جراحان با قصابان متفاوت است و نیز تیغ جراحی با ساتور یا کارد قصابی.

بدون روتوش

آغاز نبرد در میدان خاکستری و مجروحان «جنگ رسانه ای»

محمدمحسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

روز گذشته (دوشنبه) چندین خبر در رسانه‌ها حول انفجار در شهرهای مختلف منتشر شد. یکی از پربازتاب‌ترین آنها به انفجار یک خانه در پردیسان قم مربوط می‌شد. طبیعی است که در وضعیت کنونی که در حالت نه صلح و نه جنگ قرار داریم، بازتاب چنین خبرهایی در رسانه‌ها و افکارعمومی جامعه ضریب پیدا کند. اخباری که در یک تعریف کلی به آن اقدامات خرابکارانه می‌گویند و به تعریف دقیق‌تر می‌توان آن را نبرد در میدان خاکستری نامید، بواسطه حساسیت‌ها بازتاب بیشتری هم خواهند گرفت. اما آیا این به آن معناست که هر انفجار، آتش‌سوزی و... در تهران یا تل آویو یک اقدام امنیتی است؟ قطعاً خیر. اما این اتفاقات جدا از ماهیت آن یک لایه پنهان دیگری هم دارد و آن ادراک‌سازی در جنگ رسانه‌ای است. این دستکاری ادراکی در طول جنگ ۱۲ روزه هم به طور کامل از سوی دشمن دنبال و انجام شد.

بخشی از این ادراک‌سازی برای جامعه و به اصطلاح کف بازار و بخش دیگری از آن برای تصمیم گیران است. در ادامه به برخی از این ادراک سازی‌ها برای هر دو هدف اشاره می‌کنیم:

مجروح‌سازی ذهنی: یکی از تلاش‌های واضح صهیونیست‌ها در ادراک‌سازی در دوران جنگ در میدان‌های خاکستری، پایین آوردن آستانه تحمل و انتظار غافل‌گیری ذهنی در میان افکار عمومی است. اگر شما جزو کسانی هستید که پس از آتش بس، پیش از آغاز جنگ ناخودآگاه در مقابل صداهای بلند، اخبار حوادث، دیدن آتش‌سوزی و... واکنش نشان می‌دهید، باید بدانید ذهنتان یک مجروح است.

درست مانند یک مجروح نظامی با ترکش. برای این جراحت هم حتماً باید اقدام‌های لازم را انجام داد. از جمله کاهش رصد و پیگیری اخبار، کاهش روبه‌رو شدن جامعه با اخبار و تحلیل‌های احتمالی بازگشت جنگ و همچنین کنترل رسانه‌ها در بازنمایی خبرها، شایعات و تهدیدات و البته از همه مهم‌تر برخورد با هرگونه ایجاد بدبینی و به تعبیری خالی کردن تو دل جامعه از آینده.

صفحه ۵